

امکان‌سنجی «روزگار مهدیان» با رویکرد احمد بصری در اخبار خاصه*

سید مرتضی میرسراجی*

احمد مرادخانی**

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۵]

چکیده

مقوله مهدویت و لزوم توجه جدی به آن در روایات اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حوزه مهدویت، مانند دیگر حوزه‌های معنوی، شاهد نمونه‌هایی از انحراف در سطوح خرد و کلان بوده است. بهترین راه مقابله با این کج‌روی‌ها برای معتقدان، مراجعه به اخبار و روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و استفاده از نقشه راه سلوک مهدوی برگرفته از کلام آنان است. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع و مراجع حدیثی اصیل شیعی، ادعاهای مهدوی شخصی معاصر به نام «احمد بن اسماعیل بصری» در خصوص روزگار مهدیان دوازده‌گانه» بعد از امام قائم (ع) مقایسه و بررسی شده است. سند پنج خبر موجود در حوزه مهدیان تحلیل و بی‌اعتباری آنها روشن شده است. همچنین متون این روایات از لحاظ اشکالات مبنایی و عدم تطابق با مدعیات احمد بصری بررسی شده است. در گام بعد، تلقیات معنوی او در جایگاه امامت و ولایت مهدیان با اخبار خاصه (شیعه امامیه) سنجیده شده که سازگاری در آنها به چشم می‌آید. در نهایت، با فرض صحت این روایات، برداشت و معنای قابل پذیرش راجع به «روزگار مهدیان دوازده‌گانه» ارائه شده است که با توجه به مردود بودن فاصله بین رحلت امام قائم (ع) و رجعت امام حسین (ع) بر اساس روایات معتبر و مؤاتر شیعه، مهدیان شخصیت‌هایی چون مراجع تقلید معاصر در عالم در زمینه انتقال پیام‌های الهی در عصر رجعت امام حسین (ع) بیان شدند.

کلیدواژه‌ها: امام مهدی (ع)، احمد بصری، اخبار مهدیان، روزگار مهدیان، اخبار خاصه.

مقدمه

در امتداد تاریخ توحیدی، افراد بسیاری مدعی مقامات گوناگون معنوی بوده‌اند. یکی از مدعیان معاصر، شخصی به نام احمد بن اسماعیل از شهر بصره در کشور عراق است که در سال ۲۰۰۳م مدعی دعوت معنوی در حوزه مهدویت شد (ذوالفقار، ۲۰۱۴: ۱۵۲). وی ادعاهای فزاینده، مختلف و پلکانی در معنویت دارد که در این پژوهش فقط یک ادعای او مبنی بر وجود «روزگار مهدیان» (بصری، ۱۴۳۱: ۱۳۲/۳) را نقد و امکان مقبولیت آن را در اخبار خاصه و روایات معتبر شیعه امامیه، بررسی خواهیم کرد.

روزگار مهدیان

با توجه به روایات خاصه، جهان از هبوط آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا قیامت کبرا از حجت خدا خالی نخواهد بود، حتی اگر از وی بی‌جان در خفا و غیبت به سر برد (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۳۶). این مسئله از عقاید شیعه اثناعشریه به شمار می‌رود و به جهت کثرت روایات و طرق مختلف در آن مناقشه نیست. پس از روزگار پیامبران، هادیان الهی در مسئولیت خطیر «امامت» به هدایتگری مشغول شدند و این روزگار تا پایان دوران امامت امامان دوازده‌گانه ادامه دارد. بعد از آن، دوران رجعت و بازگشت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان دوازده‌گانه آغاز می‌شود. اولین نفر از معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام که به زمین رجعت می‌کند امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود که زمامدار و متکفل امور می‌شود (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۳۵۸) و پس از ایشان، به مرور معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام دیگر رجعت می‌کنند تا قیامت موعود فرا رسد. احمد بن اسماعیل بصری روزگاری به نام «مهدیان» از حجت‌های الهی ترسیم می‌کند که دارای شرایط متفاوتی است. او می‌نویسد:

روایات متواتر بسیاری وجود دارند که بر وجود دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی ع دلالت می‌کنند و آنان را خلفای خدا بر زمین می‌خوانند (بصری، ۱۴۳۳ الف: ۲۹).

پس روایات بسیار واضح‌اند که مهدیان از فرزندان قائم ع و از فرزندان حسین ع و از فرزندان علی ع و فاطمه ع هستند (همان: ۳۰).

مهدیان از نشانه‌های ساعت و میقات آن هستند و با آخرین مهدی، این عالم جسمانی پایان می‌یابد و عالم رجعت آغاز می‌شود؛ سپس قیامت فرا می‌رسد (همان).

او در کتاب دیگر خود [بعد از یادکرد اسامی برخی که بر طبق روایات در ایام رجعت باز خواهند گشت] نوشته است:

آنان بعد از دوازده مهدی و در زمان آخرین ایشان، در دوران موسوم به «رجعت»، بازمی‌گردند. آخرین مهدی قائم به حق از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ کسی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به خاطر او رجعت می‌کند. او مهدی آخر یا قائم آخر است [نه امام مهدی (ع)]، که نه نسلی دارد و نه فرزندی (همو، ۱۴۳۱ج: ۱۳۲/۳).

به زعم احمد، نخستین مهدی خود او است (همان: ۲۳۲/۴) که نبیره حضرت مهدی (ع) است (کورانی، ۱۳۹۱: ۲۰). بقیه مهدیان، فرزندانش (فرج‌الله، ۲۰۱۴: ۱۶۸) و جملگی امام (بصری، ۱۴۳۱ج: ۱۴۶/۳)، وجه‌الله (همو، ۱۴۳۱ج: ۵۰/۴)، حجت خدا (همو، ۱۴۳۱ج: ۴۵/۲)، خلیفه خدا (همو، ۱۴۳۱ج: ۳۹)، معصوم (همو، ۱۴۳۱ج: ۲۲۷/۴)، وصی (همو، ۱۴۳۱ج: ۲۹/۷)، قائم (همو، ۱۴۳۱ج: ۱۳۲/۳)، از نشانه‌های قیامت‌اند (همو، ۱۴۳۳الف: ۳۰) و روزگارشان بین رحلت امام مهدی (ع) و رجعت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است (همو، ۱۴۳۱ج: ۱۳۲/۳).

اخبار مهدیان

در مراجع روایی پنج خبر کلی درباره مهدیان وجود دارد. خبر اول موسوم به حدیث وصیت در کتاب *الغیبه* شیخ طوسی، خاستگاه مدعای احمد (همو، ۱۴۳۳ج: ۱۷) بر این است که او اولین نفر از سلسله مهدیان دوازده‌گانه است (همو، ۱۴۳۱ج: ۲۳۲/۴). در ادامه پنج روایت را از نظر می‌گذرانیم:

۱. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شبی که از دنیا رحلت فرمودند، به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: ... ای علی، به زودی پس از من دوازده امام و بعد از آنان دوازده مهدی خواهند بود. تو اولین نفر از دوازده امام هستی. www.SID.ir خداوند تو را در آسمانش علی مرتضی، امیر مؤمنان، صدیق اکبر، فاروق اعظم،

مأمون و مهدی نامیده است و این اسامی برای احدی جز تو صحیح نیست. ای علی، تو وصی من و سرپرست اهل‌بیتم هستی... تو پس از من جانشین و خلیفه من بر امتم هستی. زمانی که وفات تو رسد وصایت و جانشینی مرا به پسر من حسن تسلیم کن [همچنین هر امام به امام بعدی این امر را واگذار می‌کند]، آنگاه امام عسکری علیه السلام آن را به فرزندش (حضرت مهدی ع) بسپارد. اینان دوازده امام هستند و بعد از ایشان دوازده مهدی خواهد بود [پس وقتی که زمان رحلت امام دوازدهم رسد]، وصایت را به فرزندش که اولین و برترین مقربان است، تسلیم نماید. او سه نام دارد، یک نامش مانند نام من است و نام دیگرش مثل نام پدر من است و آن «عبدالله» و «احمد» است و سومین نام او «مهدی» خواهد بود و او اولین مؤمنان است (طوسی، ۱۴۲۵: ۱۵۰).^۱

۲. در حدیثی طولانی امام صادق علیه السلام فرمودند: «ای ابوحمزه، از ما بعد از قائم ع یازده مهدی از نسل امام حسین علیه السلام است» (همان: ۴۷۸).

۳. امام صادق علیه السلام: «همانا بعد از قائم علیه السلام ما دوازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام هستند» (نیلی، ۱۳۶۰: ۳۵۴).

۴. امام سجاد علیه السلام: «قائم ما قیام می‌کند، سپس بعد از او دوازده مهدی خواهند بود» (مغربی، ۱۴۰۹: ۴۰۰/۳).

۵. ابوبصیرگوید که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ای پسر رسول خدا، از پدران امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند پس از قائم ع دوازده امام هستند». امام صادق علیه السلام فرمودند: «ایشان فرمودند دوازده مهدی و فرمودند دوازده امام و [این دوازده مهدی] از شیعیان ما هستند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می‌کنند» (صدوق، ۱۳۵۹: ۳۵۸/۲).

بررسی و نقد سندی

برای بررسی و نقد سندی این روایات نظر رجالیان درباره روایان آنها را مطرح می‌کنیم. روایان خبر نخستین از این قرارند:

- حسین بن علی بن سفیان بزوفری: مورد وثوق است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۸).

- علی بن سنان موصلی عدل: در کتاب‌های شاخص رجالی شناخته نشد. برخی به حسب کلمه «العدل» وی را سنی دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۳: ۴۶/۱۲). در برخی از مراجع روایی، «العدل» به شکل «المعدل» ضبط شده است (جوهری، بی تا: ۱۰).

- علی بن حسین: از مجاهیل کتب رجالی محسوب می‌شود. با جست‌وجوی بیشتر در اسناد، جز در این روایت، شخصی به نام علی بن حسین از مشایخ علی بن سنان نیست.

- احمد بن محمد بن خلیل نیز در سند این روایت از ناشناخته‌های رجالی محسوب می‌شود، ولی مُحتمل است تصحیف یا تحریفی در میان باشد و نام اصل وی، احمد بن محمد ابوعبدالله املی طبری خلیلی باشد که بنابر کلام حلی، غلام خلیل املی طبری بوده است (حلی، ۱۴۰۲: ۲۰۵)؛ هرچند خلیل املی طبری که احمد بن محمد غلام وی بوده و از این جهت خلیلی خوانده شده و در آثار رجالیان به شکل احمد بن محمد ابوعبدالله الخلیلی ضبط شده نیز از ناشناخته‌ها است. با فرض اتحاد و بروز تصحیف و تحریف در نام نیز نظر رجالیان به این شخص مثبت نیست. نجاشی در مورد احمد بن محمد خلیلی نوشته است: «او حقیقتاً ضعیف است و کسی به او [در نقل روایات] توجهی نمی‌کند» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۶). او با دو صفت «فاسد المذهب» و «وَضاع للحديث» نیز نکوهش شده است (حلی، ۱۴۰۲: ۲۰۵).

- جعفر بن احمد مصری: شناخته نشد؛ فقط در یکی از کتاب‌های اهل سنت، شخصی هم‌نام او است که از آن وثاقت یا عدم آن استفاده نمی‌شود (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۳۹/۲۳).

- حسن بن علی: عمومی جعفر بن احمد است و از مدح و قَدح او نیز اطلاعاتی در آثار رجالیان نیست.

- علی بن بیان: پدر راوی قبل است؛ او نیز ناشناخته است.

بنابراین حدیث نخست با ضعف سندی روبه‌رو است. احمد بصری برای جبران این ضعف سند، علم رجال را زیر سؤال می‌برد و می‌نویسد: «علم رجالی که آنان به آن مفتخرند، دروغ بزرگی است که مردم را با آن می‌فریبند... سند وصیت صحیح است» (بصری، ۱۴۳۱: ۷۲/۲). در حالی که بر اساس روش علمی، این روایت محوری بصری از نظر سندی ضعیف دارد، او می‌نویسد:

روایات و اخبار مهدیان یا برخی از آنها بیشتر از حد تواترند که علم و اعتقاد آورند... پس نتیجه علمی به دست آمده حاکی از آن است که روایات مهدیان موجب علم و یقین است و آنان خلفای خداوند در زمین بعد از دوازده امام هستند (همو، ۱۴۳۷: ۱۵۵).

بررسی سند خبر دوم از این قرار است:

- محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری: ثَقَّه (حر عاملی، ۱۴۲۷: ۲۲۵)؛ پدر او نیز ثقه بوده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰۰).

- محمد بن عبدالحمید: توثیق شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۹).

- محمد بن عیسی: شیخ مردمان قم بوده و از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام نقل حدیث داشته (همان: ۳۳۸) و از توثیق بی‌نیاز است.

- محمد بن فضیل: از اصحاب امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بوده (تفرشی، ۱۳۷۷: ۹۸/۴)؛ ولی ضعیف (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۷۴/۲) و متهم به غلو است (حلی ۱۴۰۲: ۲۵۱). او مشترک بین ثقه، ضعیف و مهمل^۲ است (تفرشی، ۱۳۷۷: ۱۳۶/۵).

- ابوحمزه: از اصحاب امام سجاد علیه السلام و صادقین علیهما السلام نیز ثقه بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۱۵).

در مورد سند خبر سوم باید گفت که نیلی نجفی (م. احتمالاً ۸۰۳ق) صاحب کتاب رجال (طهرانی، ۱۴۰۳: ۳۴۱/۳) و همین طور کتاب‌های مهدوی (همان: ۴۳۲/۲، ۲۱۷/۱۲، ۷۷/۱۶، ۲۰۱/۲۰، ۱۷۳/۱۲)، پیش از اینکه خبر دوازده مهدی را از قول امام صادق علیه السلام روایت کند، دو خبر نقل کرده که سند خبر اول را مرفوع^۳ می‌خواند: «و همچنین از آنچه روایتش برای من جایز است از احمد بن محمد آیدی که بالا می‌برد (رفع می‌دهد) سند حدیث را تا علی بن عقیبه و او از پدرش، عقیبه بن خالد آسدی، و او از امام صادق علیه السلام» (نیلی، ۱۳۶۰: ۲۰۱) و در خبر دوم و سوم، که خبر مهدیان دوازده‌گانه است، در ظاهر بر اساس این تحمل حدیث بوده و به «عنه علیه السلام»، یعنی «عن الامام الصادق علیه السلام»، بسنده می‌کند.

احمد بن محمد آیدادی که حدیث را به دو راوی ابتدای سند رفع داده است، در کتاب‌های رجالی شناخته نشد، جز آنکه در ابتدای خبری، نیلی نجفی لفظ «ثقة» را برای او به کار برده است (نیلی، ۱۳۶۰: ۱۳۷).

- علی بن عقبه: نجاشی او را «ثقة ثقة» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۱) دانسته که نشان از درجه اعلائی وثاقت او است.

- عقبه بن خالد: پدر راوی پیشین، توثیق صریحی در کتاب‌های رجالی ندارد. چه بسا بتوان وثاقت بالای پسرش در نزد رجالیان و نقل روایت او از پدر را نشانه‌ای بر توثیق قلمداد کرد. عقبه مدحی از معصوم علیه السلام در مورد خود نقل کرده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴/۴) که چون به شکلی تعریف از خود بوده، محل تأمل است.

درباره سند خبر چهارم، قاضی نعمان (م. ۳۶۳ ق) این خبر را مقطوع السند دانسته است. مذهب او مردد بین شیعه اثناعشریه و اسماعیلیه است (نوری، ۱۴۰۸: ۱۹/۱۵۷).
سند خبر پنجم به این شرح است:

- علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق: در سند برخی از روایات صدوق قرار دارد که بر او ترضی و ترحم ابراز کرده (نمازی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۵)، ولی حال او مجهول است (بسام، ۱۴۲۶: ۲/۲۰).

- محمد بن ابی عبدالله کوفی: راوی برخی از اخبار است (نمازی، ۱۴۱۴: ۳۸۶/۶) ولی مجهول الحال است. نام او به صورت محمد بن جعفر نیز در طریق روایات آمده است (بسام، ۱۴۲۶: ۲/۲۵۸).

- موسی بن عمران نخعی: او نیز ناشناخته است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳/۲۵۸).
- حسین بن یزید نوفلی: در اواخر عمر به غلو روی آورد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸) و تصریحی در توثیق وی نیست (حسینی حلی، ۱۴۲۸: ۴۸۵).

- علی بن ابی حمزه: شاگرد ابوبصیر از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که بعدها منحرف و از سران واقفه شد^۴ (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹). رجالیان او را تأیید نمی‌کنند و معصوم علیه السلام او را لعن کرده است (حلی، ۱۴۰۲: ۲۳۱).

- ابوبصیر: از اصحاب امام صادق علیه السلام که وثاقتش مسلم است (حسینی حلی، ۱۴۲۸:

حاصل بحث سندی پنج خبر مهدیان این است که در خبر اول علی بن سنان، علی بن حسین، احمد بن محمد، جعفر بن احمد، حسن بن علی و علی بن بیان از مجاهیل در کتب رجالی محسوب می‌شوند. بنابراین حدیث محوری وصیت (از نظر احمد بصری) فاقد اعتبار سندی است. در خبر دوم مهدیان نیز محمد بن فضیل قرار داشت که ضعیف و متهم به غلو بود؛ از این رو این خبر نیز اعتبار سندی ندارد. در خبر سوم نیز راوی‌ای چون آیدای مجهول است که سند را از اعتبار ساقط می‌کند. خبر چهارم به طور کلی فاقد سند و بی‌اعتبار است و در خبر پنجم علی بن احمد، محمد بن ابی عبدالله و موسی بن عمران از مجاهیل اند و حسین بن یزید متهم به غلو و علی بن ابی حمزه از طرف معصوم علیه السلام لعن شده است. در نتیجه، این خبر از مهدیان نیز اعتبار سندی ندارد. در مجموع، پنج خبر مهدیان فاقد ارزش و اعتبار سندی‌اند.

بررسی متون

بررسی متون احادیث مهدیان را در دو بحث مطرح خواهیم کرد: ۱. اشکالات؛ ۲. مطابقت نداشتن مدعیات احمد بصری با متن روایات مهدیان.

اشکالات

- در خبر اول از قید عبارت «تا اینکه به اینجا رسید» (حَتَّىٰ أَتَيْتَهُ إِلَىٰ هَذَا الْمَوْضِعِ)، می‌توان فهمید این خبر ناقص است و ضبط آن دقیق نیست.
- با توجه به ذکر نام تنها یکی از مهدیان دوازده‌گانه، می‌توان فهمید این خبر در انتها نیز نقص دارد.
- اگر مرجع ضمیر در «فَلْيَسَلِّمْهَا» به «الخلافة»، «الامامة» و «الوصاية» برگردد با روایات و اعتقادات شیعه موافقت ندارد؛ زیرا تعداد امامان و معصومان بیشتر از دوازده می‌شود.
- در این بخش از خبر که «برای [مهدی اول] سه اسم است: اسمی همچون اسم خودم [یعنی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]، اسم پدرم عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است»، چهار اسم آورده شده و اطلاق سه اسم صحیح نیست.

- در متن، برخی القاب مانند «مهدی» مختص به امام علی علیه السلام معرفی شده که این مطلب در هیچ روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام نرسیده و نشانه غلو در حق امیر مؤمنان علیه السلام است. از سوی دیگر، مغشوش بودن متن را نیز می‌رساند؛ زیرا در ذیل روایت، لقب حضرت مهدی ع یا مثلاً فرزند ایشان را «مهدی» بیان و دو بار بر مهدیان دوازده‌گانه تأکید می‌کند که این نقض غرض متن است. در روایات فراوان، لقب مهدی به همه امامان علیهم السلام تعلق داشته و وجه خاص آن به فرزند امام عسکری علیه السلام و قائم ع اطلاق شده است؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام درباره امامان علیهم السلام می‌فرمایند: «کلهم هاد مهدی» (نعمانی، ۱۳۷۹: ۹۸).

- از متن خبر دوم پیدا است که این حدیث بسیار طولانی و مفصل بوده و تقطیع شده است: «فِي حَدِيثِ طَوِيلٍ». در این حدیث، مهدیان از ذریه امام حسین علیه السلام معرفی شده‌اند و مهدیان یازده تن از اولاد امام حسین علیه السلام بعد از حضرت قائم ع هستند، در حالی که در روایات قبل و بعد، مهدیان دوازده نفر بعد از حضرت مهدی ع معرفی شده‌اند و تخصیص نخورده‌اند. احتمال دارد با توجه به اینکه حدیث تقطیع شده، در این بخش نیز تحریف یا تصحیفی رخ داده و عدد دوازده (اثنی عشر) به یازده (أحد عشر) تبدیل شده باشد.

- در خبر سوم قید «دوازده مهدی از نسل امام حسین علیه السلام» مشکل یازده نفر مهدی بعد از قائم ع از نسل امام حسین علیه السلام را با اسناد و طریقی غیر از خبر دوم حل کرده است. متن خبر چهارم ویژگی متفاوتی ندارد و در احادیث قبل و بعد شبیه این معنا بیان شده است. در متن خبر پنجم نیز امامت از مهدیان دوازده‌گانه به صراحت نفی شده است.

مطابقت نداشتن مدعیات احمد با روایات مهدیان

در یازده موضع از خبر اول با لفظ «پسرش» (ابنه) به فرزند بلافصل هر امام معصوم علیه السلام اشاره شده و با فرض اینکه احمد بصری نبیره امام زمان ع است، بر اساس سیاق کلام، فرزند بلافصل محسوب نمی‌شود. احمد بصری هیچ نامی جز احمد ندارد و به نام‌های عبدالله، مهدی و محمد نیز مشهور نیست؛ هرچند مدعی است که نام «مهدی اول»

(یعنی خودش) در آسمان‌ها محمد و در زمین احمد است (بصری، ۱۴۳۱: ۱۱۴/۵). بعید نیست که ضمیر «لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ» (برای او سه نام است) مرجعی جز حضرت صاحب الزمان (ع) نداشته باشد: «رسول خدا ﷺ از مهدی (ع) یاد کردند و فرمودند: با او بین رکن و مقام بیعت می‌شود، نام او احمد، عبدالله و مهدی است؛ این سه نام‌های او است» (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۵۴) و «امیرمؤمنان (ع) فرمودند: مردی از فرزندان من در آخرالزمان قیام می‌کند... برای او دو اسم است، یکی مخفی و دیگری آشکار؛ اسم مخفی احمد است و اسم آشکار محمد» (صدوق، ۱۳۹۵: ۶۵۳/۲). پس احمد در این روایت از اسامی حضرت مهدی (ع) به شمار می‌رود، نه احمد بصری؛ چنانکه میرزای نوری نیز «احمد» را از اسامی حضرت مهدی (ع) می‌شمرد (نوری، ۱۳۸۴: ۸۵/۱).

احمد بصری در خبر دوم ادعا دارد که «قائم در این روایت، امام مهدی محمد بن حسن (ع) نیست، بلکه وزیر و وصی ایشان و اولین از مهدیان بعد از ایشان است [یعنی خود او]» (بصری، ۱۴۳۱: ۱۴۷/۳). باید گفت این تعارضات در روایات عجیب نیست و می‌تواند نوعی سهوالقلم از راویان یا ناسخان غیر ضابط باشد. نمونه آن روایت دوازده امام از فرزندان پیامبر ﷺ است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنْ وَوَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَقِيْبًا... آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۴/۱) که با روایت یازده امام برطرف شده است: «أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنْ وَوَلَدِي أَحَدَ عَشَرَ نَقِيْبًا... آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا» (لاصول السنه عشر، ۱۴۲۳: ۱۳۹).

احمد بصری درباره خبر پنجم می‌نویسد:

موضوع نقض امامت مهدیان، ناقض حجیت آنها که حجیت‌های الهی‌اند، نیست؛ یعنی ضرورتی ندارد که حجیت، امام هم باشد. حضرت یونس حجیت خدا بود، ولی امام نبود. حال آیا فرمانبرداری از او واجب نیست؟ همچنین آیا اطاعت از زکریا و یحیی که حجیت‌های خدا بودند، ولی امام نبودند لازم نیست؟ امامت یک مقام است؛ اگرچه ادله زیادی وجود دارد که ثابت می‌کنند مهدیان پس از امامان، حجیت‌های الهی و اوصیای پیامبرند» (بصری، ۱۴۳۱: ۵۱۴۳۱).

در متن حدیث بر افتراق امامت و مهدیان دوازده‌گانه تصریح شده است. در روایتی دیگر نیز امام باقر علیه السلام، محمد بن حنفیه را از نظر معنوی «امام» نمی‌داند، بلکه او را «مهدی» معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۰)؛ بنابراین کلمه «مهدی» در لسان صادقین علیهم السلام (خبر پنجم مهدیان و این خبر) به مفهوم «شیعه»، «مأموم» و غیر امام بوده است.

رویکرد احمد بصری به مهدیان

۱. حجت خدا

احمد بصری مدعی است که «روح القدس اعظم جز بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نزول نیافت که بعد از وفات ایشان به سوی حضرت علی علیه السلام، آنگاه امامان و بعد از ایشان به جانب مهدیان دوازده‌گانه منتقل خواهد شد» (بصری، ۱۴۳۱: ۳۹/۱). او تصریح می‌کند که «بی‌تردید امامان و مهدیان حجت‌های خداوند بر همه آفریدگان‌اند» (همو، ۱۴۳۱: ج ۴/۲۳۰) و «مهدیان حجتی از حجت‌های الهی در زمین‌اند» (همان: ۲۲۷). وی ذیل آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵) «بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند بود» نیز نوشته است که «مقصود از این وراثت این است که مهدیان حجت‌هایی هستند که وارث حقیقی زمین‌اند؛ پس وراثت ایشان به اعتبار این است که حجتی از حجت‌های الهی‌اند» (همو، ۱۴۳۱: ۳۹) و «در روایات متواتر و احادیث قطعی اثبات شده که حجت‌های خدا بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان دوازده‌گانه و بعد از آنان مهدیان دوازده‌گانه‌اند و حجت معصوم الهی در زمین جز ایشان نیست» (همو، ۱۴۳۱: ج ۴/۲۲۷).

۲. رسول و نبی

احمد بصری خود را صاحب «دعوت حق مهدویت مبارک» می‌داند (همو، ۱۴۳۱: ج ۴/۱۷۵)، آن را «رسالتی الهی» برمی‌شمرد (همو، ۱۴۳۱: الف: ۱۰۰/۳) و بیان می‌کند:

دعوت من [همانند دعوت پیامبران الهی چون] دعوت نوح علیه السلام و دعوت

حضرت ابراهیم علیه السلام و دعوت حضرت موسی علیه السلام و دعوت حضرت عیسی علیه السلام www.SID.ir

و دعوت حضرت محمد ﷺ است (همو، ۱۴۳۱: ۷/۱).

هدف از دعوت همان هدف پیامبران الهی، همچون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد ﷺ است که توحید حقیقی را آن کسی نشر می‌دهد که خدا از او راضی می‌شود و زمین را از عدل و قسط سرشار می‌کند؛ همان‌طور که از ظلم و جور آکنده است (همان: ۸۳/۲).

مهدیان دوازده‌گانه امتدادی طبیعی برای پدرشان، حضرت ابراهیم ﷺ و دعوت او به سوی حق هستند (همان: ۱۰۳).

وی در تفسیر «رسول» (پیامبر) در آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا» (جمعه: ۲)

می‌نویسد:

این پیامبر حضرت محمد ﷺ است که برای اولین افراد در این امت فرستاده شده و این پیامبر آخرین، همان مهدی اول از فرزندان امام مهدی (ع) است که او را امام مهدی (ع) فرستاده است. همچنین [این مهدی اول، یعنی خودش] کتاب و حکمت را طبق آنچه حضرت محمد ﷺ، رسول خدا، به خاطر آن آمد، به امت تعلیم می‌دهد. او صورت است برای حضرت محمد ﷺ و همان گونه که حضرت محمد ﷺ مبعوث شد مبعوث می‌شود و همان شکل که حضرت محمد ﷺ یاری شد، یاری می‌شود (همو، ۱۴۳۱: ۱۱۶/۲).

مقام نبوت و پیامبری باقی است و برای بشر باز است؛ پس هر کس از مؤمنان در عبادت و عمل به خدا اخلاص بورزد، این امکان را دارد که به مقام نبوت و پیامبری متصل شود (همو، ۱۴۳۱: ۲۷).

برای امامان و مهدیان مقام نبوت است و ایشان رسولان [الهی] هستند (همان: ۳۴). حضرت محمد ﷺ همان است که با رسالت و پیامبری اسلامی آمد و آن را تثبیت کرد و در حقیقت او امام نیز است. امام علی (ع) همان است که ولایت [وامامت] را تثبیت کرد و فرستاده حضرت محمد ﷺ نیز بود؛ اما مهدی اول کسی است که هر دو امر (پیامبری و امامت) را بر دوش می‌کشد. امر اول رسالت و پیامبری و اصلاح اعتقادات نادرست و استوار ساختن اعتقاد [مردم]

به مهدیان [دوازده گانه] است و امر دوم استوار ساختن و تثبیت ولایت [و امامت] و حاکمیت الهی که همه مردم از آن منحرف شده‌اند. پس در مهدی اول هم نقش حضرت محمد ﷺ جمع می‌شود و هم نقش حضرت علی علیه السلام؛ یعنی [هم] رسالت و پیامبری و هم ولایت و امامت (همو، ۱۴۳۱: ۴/۶۷).

۳. امام

احمد بصری در مورد امامت مهدیان دوازده گانه می‌نویسد:

دلایل بسیاری امامت مهدیان را اثبات می‌کنند (همو، ۱۴۳۱: ۲/۴۵).
این مهدیان دوازده گانه امامان هدایت و هدایت‌شدگان هستند (همو، ۱۴۳۱: ج: ۱۴۶/۳).

و بعد از رحلت امام مهدی عج زمین به واسطه این مهدیان دوازده گانه باقی می‌ماند [و از بین نمی‌رود] و اگر این مهدیان نبودند زمین اهلش را می‌بلعید؛ چنانکه در روایات اهل بیت علیهم السلام این نکته وارد شده است: «اگر زمین از امام خالی شود، هر آینه ساکنانش را می‌بلعد». پس مهدیان بعد از امام مهدی عج حجت بالغه خداوند هستند» (همان).

در تفسیر کلمه «السلف» در دعای «ندبه» در مورد مهدیان معتقد است آنان حجت‌های آینده‌اند، که به امامتشان اذعان می‌شود (همو، ۱۴۳۱: ۲/۹۹). او در اینجا نیز مهدیان را امام قلمداد می‌کند و خود را «امام ناشناخته» می‌خواند (همان: ۵/۱۴). او در استفتائات، تقریراً لقب امام را می‌پذیرد و متعرض آن نمی‌شود (همان: ۴۸).

۴. قائم آل محمد علیهم السلام

احمد بصری درباره اشتباهی که در متن، کتابت یا روایت دوم مهدیان رخ داده و عدد مهدیان بعد از قائم عج را به جای دوازده، یازده تن ذکر کرده، مدعی شده است که «قائمی که در این روایت ذکر شده، امام مهدی محمد بن حسن عج، نیست، بلکه وزیر، وصی و اولین از مهدیان (یعنی خودش) بعد از او است» (همو، ۱۴۳۱: ج: ۳/۱۴۷). او در جایی که می‌گوید «اراده» و خواست من همان اراده و مشیت خداوند است که مردم زمین نیز جز

آنچه خداوند می‌خواهد را نمی‌خواهند که زمین سرشار از قسط و عدل شود، چنانکه از ظلم و ستم پر شده است» (همو، ۱۴۳۱: ۸/۱) تلویحاً خود را قائم آل محمد موعود دانسته است که دنیای پر از ظلم و جور را از عدل و داد آکنده می‌کند. وی در جای دیگر به صراحت می‌گوید که «آن مهدی که دنیا را از عدل پر می‌کند، مهدی اول (احمد بصری) است» (همو، ۱۴۳۷: ۵۹) و در بحث یاری‌کنندگان قائم از سرتاسر دنیا می‌نویسد: «برای یاری کردن قائم، یعنی مهدی اول [همان] احمد» (همان: ۱۱۶). در جای دیگر نیز بیان می‌کند که «قائم آل محمد ﷺ یا مهدی اول کسی است که در آخرالزمان می‌آید؛ چنانکه از رسول خدا، حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او روایت شده است» (همو، ۱۴۳۱: ۶۷/۴). در استفتائات، سؤال‌کنندگان او را «امام زمان»، «قائم آل محمد» (همان: ۱۱/۳) و «القائم المنصور» (همان: ۳۳/۷) می‌خوانند و او با این معانی مخالفت نمی‌کند و آنها را می‌پذیرد.

۵. وصی

احمد بصری در مورد وصایت خود و مهدیان می‌نویسد:

نور خلافت و وصایت به صلب امام مهدی محمد بن حسن H انتقال یافت و این نور ناگزیر به فرزندان و نسل ایشان منتقل و در هر کسی که خداوند بخواهد در او ظاهر کند، آشکار می‌شود؛ آنگاه آن شخص وصی امام مهدی H می‌شود (همو، ۱۴۳۱: ج: ۱۴۶/۳).

جَد من رسول خدا ﷺ بی‌تردید به من وصیت کرد و اسم و نسب و صفت من را ذکر کرد (همو، ۱۴۳۱: ۱۸/۱).

۶. مهدی

احمد بصری لقب «مهدی» را لقب شاخص خویش دانسته و خود را «اول‌المهدیین» و «مهدی الاول» خوانده است که پیش‌تر به آن اشاراتی شد.

مقایسه رویکرد احمد بصری به «مهدیان» با اخبار خاصه

۱. حجت خدا

طبق آموزه‌های مذهب، اگر دو نفر در دنیا زنده باشند، بی‌شک یکی از آن دو نماینده خدا خواهد بود و آخرین نفری که از دنیا برود، حجت الهی است (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۴۰). امام کاظم علیه السلام سه گروه را حجت الهی دانسته‌اند: «رسولان، انبیا و امامان» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۷). بر اساس این سخن، مهدیان حجت‌های الهی نیستند و مانند سه دسته مذکور، جایگاه معنوی ندارند. اخبار فراوانی وجود دارد که به صراحت هر حجتی بعد از حضرت مهدی عج را نفی و به آن تصریح بلیغ کرده‌اند. حضرت مهدی عج در بیانی فرموده‌اند: «من آخرین وصی هستم» (صدوق، ۱۳۵۹: ۴۴۱/۲). در غدیر، پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع انبوه مسلمانان در مورد حضرت مهدی عج فرمودند: «بی‌تردید آخرین پیشوای الهی و امام از ما است، همان قائم و مهدی... که حجتی بعد از او نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۳۷). اگر بیان وصایت و هدایتگری و حجیت مهدیان دوازده‌گانه لازم بود، در اجتماع چند هزار نفری غدیر بیان می‌شد تا مردم به گمراهی و تردید نیفتند. امام عسکری علیه السلام، پدر حضرت مهدی عج، نیز در پاسخ به یکی از مصاحبان، در حدیثی معتبر بر آخرین حجت خدا بودن فرزند خود تأکید کرده‌اند:

امام و حجت بعد از من پسر من است که هم‌نام و هم‌کنیه رسول خدا است. او پایان‌دهنده حجت‌های خدا و آخرین خلیفه او است... او از دختر پسر قیصر، پادشاه روم، است... پس زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، چنانکه از جور و ظلم پر شده است (میرلوحی، ۱۴۲۷: ۱۰۷).

خطاب پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام از نمونه‌های دیگر تصریح بر ختم امامت در حضرت مهدی عج است؛ ایشان بعد از یادکرد امامان فرموده‌اند:

بعد از آن [امامان قبلی] امام عسکری علیه السلام به مؤمنان از خود ایشان سزاوارتر است. بعد از آن، حجت فرزند حسن است؛ همو که خلافت و وصایت با او پایان می‌یابد. او مدتی طولانی غایب خواهد شد، سپس ظاهر خواهد شد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛ چنانکه از جور و ظلم پر شده است

(همان: ۷۷).

همچنین امیر مؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: «با مهدی ما حجت‌ها قطع می‌شود و او آخرین امام است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۷۴/۳۰۰)؛ از این رو ادعاهای احمد بصری مبنی بر وصی، حجت، قائم و امام بودنش بعد از حضرت مهدی علیه السلام با روایات متعدد و صریحی که از خاصه بیان شد، به هیچ وجه سازگاری و توافق ندارد.

۲. رسول و نبی

بر اساس آیه ۴۰ سوره مبارکه احزاب که پیامبر اسلام را «خاتم النبیین» (آخرین پیامبران) می‌خواند، با ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله دوران پیامبران الهی برای هدایت بشر به پایان رسیده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای علی، جایگاه تو نزد من مانند جایگاه هارون نزد موسی است، جز آنکه بعد از من نبوت و پیامبری نیست» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۵۱/۱)؛ بنابراین احمد بصری و مهدیان نمی‌توانند به هیچ وجه، نبی یا رسول الهی باشند.

۳. امام

بحث امام را از سه محور نصوص روایات، غسل و کفن امام و امام صامت و ناطق بررسی می‌کنیم:

الف) نصوص روایات: روایات معتبر، متواتر و روشنی در اخبار خاصه وجود دارد که به دوازده امام اشاره دارند، نه بیشتر و نه کمتر. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «امامان بعد از پیامبر دوازده نفر از نجیبان و صاحبان فهم عمیق‌اند؛ هر کس از این تعداد بکاهد یا به عدد ایشان اضافه کند، از دین خدا بیرون رفته است و بر چیزی در ولایت ما نیست» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۳۳). ایشان همچنین در مورد غیبت حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند: «به زودی امت، غیبت او را به خاطر طولانی بودنش انکار می‌کنند؛ بعضی می‌گویند که هنوز به دنیا نیامده است... برخی می‌گویند که تعداد امامان سیزده نفر یا بیشتر است» (طوسی، ۱۴۲۵: ۱۷۰). امام عسکری علیه السلام نیز پیش از رحلت، خطاب به حضرت مهدی علیه السلام فرموده‌اند:

www.SID.ir پسر، بشارت باد بر تو که صاحب الزمان هستی؛ تو مهدی و حجت خدا در

زمینی. تو فرزند و وصی من هستی؛ من پدر تو هستم و تو محمد فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند حسین، فرزند علی علیه السلام هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را متولد کرده است و تو آخرین اوصیا و امامان طاهر هستی. رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت تو را داده و به اسم و کنیه تو را نامیده است. آنچه به تو گفتم عهدی است که پدرم از پدران پاکش به من سپرده بود... (طوسی، ۱۴۲۵: ۲۷۳).

حضرت علی علیه السلام نیز فرمودند: «به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم که به من از تعداد امامان بعد از خود خبر بدهید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، آنان دوازده نفرند، اولینشان تو هستی و آخرین امام، قائم \textcircled{C} است» (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۲۹). پیامبر صلی الله علیه و آله در جایی دیگر فرموده‌اند: «من، برادرم و یازده امام که جانشینان من تا روز قیامت‌اند، همگی هدایت‌کننده و مهدی هستیم. اولین نفر از جانشینان پس از برادرم، حسن است؛ بعد از او حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین خواهند بود» (هلالی، ۱۴۰۵: ۵۶۵/۲). در این حدیث حصر «امامت و وصایت تا روز قیامت» و تأکید بر آن قابل تأمل است.

ب) غسل و کفن امام: امام را امام غسل می‌دهد و کفن و دفن می‌کند؛ این از نشانه‌های شناخت و الزامات امامان علیهم السلام در شیعه محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۴/۱). احمد بصری بر اساس روزگار مهدیانی که ترسیم کرده، مدعی است کسی جز او صلاحیت غسل و کفن و دفن امام مهدی \textcircled{C} را ندارد، در نتیجه او امام و وصی خواهد بود؛ ولی با توجه به روایات معتبر با اسناد مختلف و متون متعدد، که اشاره شد، امامان و اوصیا فقط دوازده نفرند و امامت مهدیان مردود است.

اگر برای سلسله مهدیان مقامی جدا، مانند پیامبران و امامان، در نظر گرفته شود، باز این اشکال مطرح است که امام را جز امام غسل نمی‌دهد و در روایات استثنایی برای حضرت مهدی \textcircled{C} بیان نشده است. از سوی دیگر، سخن احمد با روایات خاصه در تناقض است؛ زیرا به صراحت حضرت امام حسین علیه السلام وصی و غسل‌دهنده امام مهدی \textcircled{C} معرفی شده است (همان: ۲۰۶/۸). بنابراین اگر بین رجعت امام حسین علیه السلام و رجعت امام مهدی \textcircled{C} فاصله بیفتد، ادعای احمد باطل می‌شود.

ج) امام صامت و امام ناطق: از تقييد لفظ «بعد» پس از کلمه «القائم» در اخبار مهديان، روشن می‌شود که آنان بعد از رحلت حضرت مهدي (ع) ظهور می‌کنند؛ ولی تظاهرات و دعوت احمد بصری قبل از ظهور صاحب الزمان (ع) انجام شده است. طبق روایات و عقاید شیعه، همیشه امام قبل ناطق است و تا زمانی که وجود داشته باشد، امام بعد صامت و ساکت و بدون دعوت و اظهار نظر است. امام صادق (ع) شرط صحبت امام بعد را وفات و رحلت امام قبل می‌داند (صغار، ۱۴۰۴: ۵۱۱/۱). از روایات صریح خاصه استفاده می‌شود که با فرض امامت و وصایت احمد بصری، تا زمانی که امام مهدي (ع) در قید حیات باشد، وی نمی‌تواند اظهار نظر و ابراز دعوت کند، در حالی که این‌گونه نیست و او دعوتش را آغاز کرده است.

۴. قائم آل محمد (ع)

در اخبار خاصه، تمام امامان دوازده‌گانه قائم محسوب می‌شوند؛ اما قائم موعودی که دنیای پر از ظلم و جور را به دنیای سرشار از عدل و داد تبدیل می‌کند، به صراحت فرزند امام عسکری (ع) معرفی شده است:

از امام کاظم (ع) پرسیده شد: «آیا شما قائم به حق هستید؟» فرمودند: «من قائم به حق هستم؛ اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل پر می‌کند، همان‌طور که از ظلم پر شده، پنجمین فرزند من است» (خزاز، ۱۳۶۱: ۲۶۹). امام حسین (ع) فرمودند: «از ما خاندان دوازده مهدي خواهد بود که اولینشان امیرمؤمنان (ع) و آخرین آنان، نهمین از فرزندان من است؛ او امام قائم به حق است و خدا زمین را پس از مرگش، با او زنده خواهد کرد و دین حق را به دست او آشکار می‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۱۷/۱).

پیامبر (ص) نیز در روایتی به‌روشنی فرموده‌اند که «نهمین نفر از صلب امام حسین (ع) قائم اهل بیت من است» (همان: ۲۵۷). امام صادق (ع) درباره دولت الهی فرمودند: «آگاه باشید صاحب آن جز یک قائم نیست» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۹۹/۱)؛ بر اساس این روایات و تأکید امام صادق (ع) در روایت اخیر بر واحدیت قائم، مدعای احمد مبنی بر اینکه او

قائم آل محمد علیهم‌السلام است و دنیا را از عدالت آکنده می‌کند، با روایات خاصه اثبات نمی‌شود.

۵. وصی

روایات خاصه اوصیای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به صراحت دوازده نفر معرفی کرده‌اند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خبری، اوصیای خود را دوازده نفر بیان می‌فرماید که اولینشان حضرت علی علیه‌السلام و آخرین آنان مهدی امت است که به دست او زمین از دشمنان خدا پاک می‌شود (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۶۴/۱). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایی دیگر فرموده‌اند:

من و برادرم و یازده امام که اوصیای من تا روز قیامت‌اند، همگی هدایت‌کننده و هدایت‌شده‌ایم. اولین نفر از جانشینان پس از برادرم، حسن است و بعد از او حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین‌اند که در بهشت در یک منزل خواهند بود (هلالی، ۱۴۰۵: ۵۶۵/۲).

یکی از ویژگی‌های منحصر قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که «قائم نمی‌تواند شخصی باشد جز کسی که امام پسر امام و وصی پسر وصی است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴/۵۱). با توجه به اینکه احمد بصری خود را «احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن صاحب الزمان ع» می‌خواند (کورانی، ۱۳۹۱: ۲۰)، چهار پشت با امام زمان ع فاصله دارد و به یقین پدر او (اسماعیل) وصی و امام نبوده است؛ در نتیجه و بر اساس ادعای خویش، او قائم نیست. روایت‌های دیگری نیز وجود دارند که مبطل ادعای او هستند، مثل این روایت که «از امام صادق علیه‌السلام پرسیده شد آیا قائم ع امام است؟ فرمودند: بلی، امام و فرزند امام است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۰۱). همچنین:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستشان را بر امام حسین علیه‌السلام زدند و فرمودند: «ای سلمان، مهدی امت که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده، از فرزندان این است. امام پسر امام، عالم پسر عالم و وصی پسر وصی است. پدرش که قبل از او است امام و وصی و عالم است» (هلالی، ۱۴۰۵: ۹۱۰/۲).

۶. مهدی

طبق روایات خاصه، مهدی و قائم به عدل در سراسر جهان نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است. امام حسین علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «از ما دوازده مهدی خواهد بود که اولینشان امیرمؤمنان علیه السلام و آخرین آنان نهمین از فرزندان من است؛ او امام قائم به حق است و خدا زمین را پس از مرگش، با او زنده خواهد کرد» (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۱۷/۱). پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: «نهمین نفر از صلب امام حسین علیه السلام ... مهدی امت من است» (همان: ۲۵۷). این اخبار خاصه ادعاهای احمد مبنی بر اینکه مهدی و کسی است که دنیا را از عدل سرشار می‌کند، به صراحت باطل می‌سازند.

۷. رجعت

برخلاف نظر احمد بصری که پس از رحلت قائم ح معتقد به امامت و حکومت مهدیان دوازده‌گانه است، روایات امامیه به صراحت به حضور امام حسین علیه السلام و حکومت ایشان اشاره دارند.

امام حسین علیه السلام یک روز قبل از شهادت به اصحابشان فرمودند: «بشارت باد شما را به بهشت؛ به خدا قسم بعد از آنچه بر ما جاری شود، آن‌قدر مکث خواهیم کرد تا خداوند تعالی ما و شما را در زمان ظهور قائم بیرون آورد». اصحاب عرض کردند: «کیست قائم شما ای فرزند رسول خدا؟» آن حضرت فرمودند: «فرزند هفتمین از اولاد فرزند من محمد بن علی که ملقب است به باقر؛ او حجت بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی، فرزند من است. او کسی است که مدتی دراز غایب خواهد شد و بعد از آن ظاهر خواهد شد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، چنانکه از جور و ظلم پر شده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۶/۸).

این روایت دقیقاً مشخصات حضرت مهدی ح را بیان می‌کند و تأکید دارد که در ایام ظهور ایشان، امام حسین علیه السلام به همراه اصحابشان رجعت می‌کنند و به هیچ وجه فاصله یا فترتی با عنوان روزگار مهدیان بین ایام قائم ح و رجعت امام حسین علیه السلام

نیست. همچنین از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

از دو سو به مردم خیر می‌دهند که این حسین علیه السلام است که رجعت کرده و بیرون آمده تا هیچ مؤمنی درباره آن حضرت شک و تردید نکند؛ بدون تردید، او دجال و شیطان نیست. هنوز حجت قائم علیه السلام میان مردم است تا دل مؤمنان استوار شود که او حسین علیه السلام است. اجل حجت (حضرت مهدی) فرا می‌رسد و امام حسین علیه السلام ایشان را غسل می‌دهد، کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد؛ عهده‌دار تجهیز پیکر وصی جز وصی نشود (همان).

امام صادق علیه السلام همچنین فرموده‌اند: «امام حسین علیه السلام آن قدر در زمین زندگی خواهد کرد که از فرط پیری دو ابروی ایشان بر چشمانشان بیفتد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴/۵۳). بنا بر صریح روایات امامیه، پس از فرزند امام عسکری علیه السلام در مقام قائم (ع) بدون مکث و وقفه، دوران رجعت امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان به مدت طولانی فرا می‌رسد.

دیدگاه دانشمندان اسلامی

در زمینه حدیث وصیت در کتاب شیخ طوسی و اخبار مهدیان دوازده‌گانه که محور اصلی ادعای احمد بصری است دانشمندان اسلامی نظرات صریحی بیان کرده‌اند:

- شیخ مفید (م. ۴۱۳ق):

روایت [وصیت کتاب شیخ طوسی] قطعیت ندارد و قابل اثبات نیست (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۷/۲).

- نَباطی (م. ۸۷۷ق):

روایت دوازده مهدی بعد از دوازده امام، جزء روایات شاذه و نادر^۵ است و با تمام روایات صحیح متواتر^۶ مشهور مخالفت دارد... و من می‌گویم این روایت [وصیت] خبر واحد و ظن آور است، در حالی که مسئله امامت باید با اخبار علم آور باشد (نباطی، ۱۳۸۴: ۱۵۲/۲).

درباره حدیث دوازده مهدی پس از دوازده امام علیهم‌السلام، اخباری در این مضمون صادر شده است که خالی از اشکال و مخالفت نیستند و اصحاب ما متعرض آن نشده‌اند، مگر تعداد کمی از آنها... عقیده راسخ و یقینی به آنها امکان ندارد. از آنجا که آن اخبار به حد یقین نرسیده‌اند و به دلیل کثرت احادیث متعارض^۷، اجازه دادن به نقل این اخبار به احتمال مشکل‌ساز است. به طور کلی این اخبار محل توقف‌اند تا اینکه قوتشان بر اخبار متعارض محقق و ظاهر شود (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۱).

من می‌گویم این روایات (مهدیان دوازده‌گانه)، به دلیل کثرت احادیث متعارض و مخالف، علم و یقین‌آور نیستند. بی‌تردید اخبار و روایات معتبر، صحیح، متواتر و روشنی تعداد امامان را محدود به دوازده تن بیان کرده‌اند که دوازدهمین نفرشان آخرین وصی، امام و خلیفه است (همان: ۱۱۷).

– مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.):

این اخبار مخالف با اخبار مشهور است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۸/۵۳).

از جمع‌بندی آرای دانشمندان اسلامی به دست می‌آید که اخبار مهدیان دوازده‌گانه حجیت و قطعیت لازم را ندارند و جزء احادیث نادر و شاذ در حوزه حدیثی طبقه‌بندی می‌شوند که بر خلاف احادیث مشهور امامیه‌اند و حجت شرعی به شمار نمی‌روند. امام صادق علیه‌السلام در مورد این گونه اخبار نادر فرموده‌اند: «آن خبر را که شاذ و نادر است و در بین اصحاب مشهور نیست، ترک کن؛ پس در آنچه مورد اتفاق و اجماع همگان باشد، شکی نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۷۱).

معنای قابل پذیرش روایات مهدیان

با فرض صحت اخبار «روزگار مهدیان» و با توجه به خبر سوم مهدیان که امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «دوازده مهدی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام» و خبر پنجم که مهدیان را شیعیان راستین اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند، می‌توان گفت که مهدیان دوازده‌گانه کارگزاران امام حسین علیه‌السلام در دوران رجعت ایشان خواهند بود. با وجود روایاتی که اولاد امام

حسین علیه السلام بودن در آنها تخصیص نخورده است، تفاوتی ندارد که این افراد از نسل امام حسین علیه السلام و ذریه سادات باشند یا نباشند. با توجه به روایات فراوان، این افراد در مقام حجت‌های الهی، همچون پیامبران و امامان دوازده‌گانه نیستند، بلکه ظاهراً افراد شاخص و تابناکی خواهند بود که در انتقال پیام اهل بیت علیهم السلام به سراسر جهان موفق خواهند شد. نمونه بارز اینان را می‌توان مراجع معظم تقلید در عصر غیبت ولی عصر ع دانست که به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و پاسداری و صیانت از دین و مذهب همت گماشته‌اند.

نتیجه

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، ادعای احمد بصری مبتنی بر حدیث وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب غیبت شیخ طوسی، از نظر سندی و متنی دچار اشکالات فراوان است و در اصل یک خبر نادر و متفرد به حساب می‌آید. چهار خبر دیگر مهدیان نیز از نظر سندی و متنی مشکلات خاص خود را دارند و مورد توجه و اجماع دانشمندان اسلامی نیستند. در نهایت، می‌توان از این اخبار برداشت کرد که با فرض ادعای احمد بصری که خود را وارث همه پیامبران و امامان علیهم السلام می‌داند، با یک حدیث ضعیف و چند حدیث قطع شده سرپرستی دین خدا به یک مدعی نمی‌رسد، به خصوص که ادعاهای او، اعم از امامت و وصایت و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بودن، با روایات معتبر صریح و متواتر خاصه در تضاد تام است. به طور دقیق بر اساس تعریفی که احمد بصری بیان کرده است، روزگار مهدیان نوعی بدعت در دین خدا محسوب می‌شود. در آخر، با فرض صدور این روایات، این فرضیه محتمل است که مهدیان دوازده‌گانه انسان‌های رشدیافته و کارگزاران با صلاحیت حضرت امام حسین علیه السلام در عصر رجعت ایشان باشند.

پی‌نوشت‌ها

* این مقاله مستخرج از پایان نامه است.

۱. «أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزْوَفَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَنَانَ الْمُؤَصِّلِيِّ الْعَدْلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَصْرِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ذِي الثَّنَائَاتِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ

الْحُسَيْنِ الزَّكِيِّ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتُهُ لِعَلِيِّ ع يَا أَبَا الْحَسَنِ أَحْضِرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاةً فَأَمَلْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَصِيَّتَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الثَّلَاثَةِ إِمَامًا سَمَاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ عَلِيًّا الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّدِيقَ الْأَكْبَرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ وَ الْمَأْمُونِ وَ الْمَهْدِيَّ فَلَا تَصَحَّ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيْبِي عَلَى أَهْلِ بَيْتِي حَيْهَمَ وَ مَيْتَهُمْ وَ عَلَيَّ نِسَائِي فَمَنْ ثَبَّتَهَا لَكَيْتَنِي عَدَاً وَ مَنْ طَلَقَهَا فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهَا لَمْ تَرْنِي وَ لَمْ أَرْهَا فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَإِذَا حَضَرَكَ الْوَفَاةُ فَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحَسَنِ الْبَرِّ الْوَصُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الزَّكِيِّ الْمَقْتُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ عَلِيٍّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُوسَى الْكَاطِمِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ الرِّضَا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الثَّقَةِ النَّقِيِّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ عَلِيِّ النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ الْفَاضِلِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ) فَلْيَسَلِّمْهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقْرَبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ اسْمُ كَاسِمِي وَ اسْمُ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْاسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ».

۲. راوی‌ای که در سلسله روایات آمده، ولی نامی از او در کتاب‌های رجالی نیست.
۳. حدیثی که یک یا چند راوی آن از میانه یا آخر سند افتاده یا در آن به کلمه رفع تصریح شده باشد.
۴. توقف‌کنندگان بر امامت امام کاظم علیه السلام که ایشان را زنده و مهدی امت می‌دانستند.
۵. احادیثی که مضامینی مخالف خبر مشهور داشته باشند.
۶. احادیثی که در طبقات مختلف راویان متعدد دارد و یقین آور است.
۷. احادیثی که دو معنای متضاد دارند و ضدیشان ممکن است حتی موجب ایجاد نحله‌های فکری و مذهبی شود.

منابع

- ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة و التبصرة من الحيرة*، چ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).
اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *كشف العممة في معرفة الأئمة*، چ اول، تبریز: بنی‌هاشمی.
اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *جامع الرواة*، چ اول، بیروت: دار الأضواء.
الأصول الستة عشر (۱۴۲۳ق)، چ اول، قم: لایران: دارالحدیث.
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق. الف)، *اضاءات من دعوات المرسلین*، چ چهارم، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق. ب)، *الجواب المنیر عبر الاثیر*، چ دوم، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق. ج)، *المتشابهات*، چ اول، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق. د)، *مع العبد الصالح*، چ اول، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق. ه)، *النبوة الخاتمة*، چ دوم، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۳ق. الف)، *الرجعة الثالث ایام الله الکبری*، چ اول، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۳ق. ب)، *الوصية المقدسة*، چ اول، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
بصری، احمد بن اسماعیل (۱۴۳۷ق)، *عقائد الاسلام*، چ اول، بی‌جا: اصدارات الامام المهدي (ع).
تفرشی، مصطفی بن حسین (۱۳۷۷ش)، *نقد الرجال*، چ اول، قم: آل‌البيت (ع).
جوهری، احمد بن عبدالعزیز (بی‌تا)، *مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الاثنا عشر*، چ اول، قم: طباطبائی.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، *الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، چ اول، تهران: نوید.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسية*، قم: المطبعة العلمية.
حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، چ اول، بیروت: اعلمی.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق)، *الرجال*، ج اول، قم: دار الحديث.
- حسینی حلی، حسین بن کمال‌الدین (۱۴۲۸ق)، *زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال*، ج اول، قم: دار الحديث.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، *الرجال*، ج دوم، قم: الشریف الرضی.
- خزاز قمی، علی بن محمد (۱۳۶۱ش)، *کفایة الاثر*، ج اول، قم: بیدار.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، ج پنجم، بی‌جا: بی‌نا.
- ذوالفقار، علی ذوالفقار (۲۰۱۴م)، *الحركات المهلویة*، ج دوم، بی‌جا: مرکز بانقیا للابحاث و الدراسات.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام*، ج دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا*، ج اول، تهران: نشرجهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، ج دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، ج دوم، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، *الرجال*، ج سوم، قم: النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *الغیبة*، ج سوم، قم: المعارف الإسلامیه.
- طهرانی، آغابزرگ (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج سوم، بیروت: دار الأضواء.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *التفسیر*، ج اول، تهران: المطبعة العلمیه.
- فرج‌الله، احمد (۲۰۱۴م)، *ادعیاء المهلویة*، بی‌جا: المركز الاسلامی للدراسات الاستریتیجیه.
- کلینی الرازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ج چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کورانی، علی (۱۳۹۱ش)، *دجال البصرة*، ج اول، قم: باقیات.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج اول، قم: آل‌البيت علیه‌السلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، ج دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مرتضی، بسام (۱۴۲۶ق)، *زبدة المقال من معجم الرجال*، ج اول، بیروت: دار المحجة البيضاء.
- مغربی، نعمان بن حیون (۱۴۰۹ق)، *شرح الاخبار*، ج اول، قم: جامعه مدرسین.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق. الف)، *الاختصاص*، ج اول، قم: آل‌البيت علیه‌السلام.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق. ب)، *الارشاد*، ج اول، قم: آل‌البيت علیه‌السلام.
- میرلوحی، محمد بن محمد (۱۴۲۷ق)، *مختصر کفایة المهتدی لمعرفة المهتدی علیه‌السلام*، ج اول، قم: بقية العترة.

- نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقیم*، چ اول، نجف: المكتبة الحيدرية.
- نجاشی، محمد بن علی (۱۳۶۵ش)، *فهرست أسماء مصنفی الشيعة*، چ ششم، قم: النشر الإسلامي.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۹ق)، *الغیبة*، چ اول، تهران: مكتبة الصدوق.
- نمازی الشاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحديث*، چ اول، تهران: ابن مؤلف.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۴ش)، *نجم ثاقب*، چ اول، قم: مسجد جمکران.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، چ اول، قم: آل البيت.۷.
- نیلوی نجفی، بهاءالدین علی (۱۳۶۰ش)، *منتخب الأنوار المضيئة*، چ اول، قم: مطبعة الخيام.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب السقیفة*، چ اول، قم: الهادی.

دراسة في «ايام المهديين»، مع اقتراب أحمد البصري من أخبار خاصة

سيد مرتضى ميرسراجي*

احمد مرادخاني**

[تاريخ الاستلام: ۱۴۳۸/۱۱/۲۶؛ تاريخ القبول: ۱۴۴۰/۰۱/۰۶]

قضية «المهدوية» و وجوب التوجه و إيلاء اهتمام وثيق لها في الروايات الإسلامية ذات أهمية خاصة. لقد شهد مجال «المهدوية» مثل غيره من المجالات الروحية، أمثلةً للانحرافات على المستوى الجزئي و الكلي. أفضل طريقة للتعامل مع هذه الانحرافات للمؤمنين هي الإشارة إلى تقاليد النبي (صلى الله عليه و سلم) و أهل البيت عليهم السلام و استخدام خارطة طريق مهدي استناداً إلى كلماتهم.

في الدراسة الحالية، باستخدام المصادر و المراجع الروائية للشعية، تمت مقارنة ادعاءات المهديّة المعاصرة المسماة «أحمد بن اسماعيل بصري» فيما يتعلق بزمن المهدي الاثني عشر و مقارنته بالإمام القائم.

لقد قرأ اسناد الأخبار الخمسة في منطقة المهديّة و يتبين عدم اعتبار هذه الاخبار. أيضاً، تم التحقيق في نصوص هذه الروايات من حيث الأساسيات و عدم المطابقة مع ادعاءات أحمد البصري. في الخطوة التالية، يتم قياس أفكاره الروحية كإمامة و محافظة المهديين بأخبار خاصة (شيعية الأئمة)، و التي تبدو المتوافقة فيها. و في النهاية، و بافتراض صحة هذه التقاليد، يتم تقديم المعنى المدرك و المعنى المقبول «ايام المهديين الاثني عشر»، و مع النظر في عدم الصحة في الاعتبار الفجوة بين وفاة الإمام القائم عليه السلام و نقض الإمام الحسين عليه السلام بناءً على الروايات الأصلية و وفقاً للشيعيّة، أن المهديين تموا التعبير عن شخصيات مثل التقليد المعاصر للعالم في العالم فيما يتعلق بنقل الرسائل الإلهية في عهد المرجعية للإمام الحسين.

الكلمات المفتاحية: الامام المهدي عليه السلام؛ احمد البصري؛ اخبار المهديين؛ ايام المهديين؛ الاخبار الخاصة.

* طالب دكتوراه لفرع علوم القرآن و الحديث، في جامعة آزاد الاسلامي قم. Mirseradji_stu@qom-iau.ac.ir

** الاستاذ المساعد لفرع الفقه و الحقوق الاسلامي في جامعة آزاد الاسلامي قم (الكاتب المسئول).